

معماری آلتین تپه در عهد اورارتو

بهمن فیروزمندی

و مهمترین مرکز سیاسی چنین قدرتی در حقیقت دریاچه وان و پیرامون آن بود.

به نام این قوم که در تاریخ باستان، از لحاظ زمانی ۶۰۰ تا ۹۰۰ پیش از میلاد را بخود اختصاص داده‌اند، برای نخستین بار، در منابع آشوری که به خط میخی نوشته شده است، در قرن سیزدهم با عنوان اورواتری (Uruatri) برمی‌خوریم که در تاریخ فوق، هنوز اورارتوها با هم متحد نشده و یک دولت مستقل تشکیل نداده بودند و در خلال این مدت، گروهی از مردم در دامنه‌های کوهها، که باید با شرایط سخت طبیعت، خودشان را تطبیق می‌دادند، به صورت چادرنشین زندگی کرده و گروه دیگر نیز، از طریق کشاورزی امرار معاش می‌نمودند.

در حقیقت مناطقی که اورارتوها در آن مستقر بودند، دشتهای مرتفعی بود که به وسیله کوههای صعب العبور و صخره‌ها در برگرفته شده، که این دشتهای هم برای کشاورزی کاملاً مساعد بود و هم جهت شهرسازی، در روی ارتفاعات طبیعی، که آنها با استفاده از چنین مواضعی بتوانند، از یکطرف، تهاجمات دشمنان را زیر نظر داشته و از سوی دیگر با ایجاد دژهای مستحکم، در روی آنها یک سیستم دفاعی را که تا آن زمان در آسیای صغیر سابقه نداشته بناکنند. بدین ترتیب با حفظ موجودیت خود و به عنوان یک دولت مقتدر و جنگجو

در خلال نیمه اول هزاره اول پیش از میلاد، بین دولتهای خاور نزدیک اورارتوها، از قدرت ویژه‌ای برخوردار بوده و بقایای شهرهای زیاد و آثار فرهنگی بی‌شماری را، از خود بجای گذاشته‌اند که در میان تمدنهای گذشته، جای خاصی را بخود اختصاص داده است.

در این زمان پادشاهان مقتدر و سفاک آشور که دولتهای همزمان خود را، یکی پس از دیگری از صحنه تاریخ خارج نموده و تمام دژها و قلعه‌ها را به آتش کشیده و بعد از دست یافتن به خزاین کاخها و معابد، آنها را با خاک یکسان و اهالی شهرهای ویران شده را، اسیر و به کشورشان انتقال می‌دادند، تنها تدرتی که بیشتر از سایر دولتهای وقت، با آنها درگیر شده و ضربات مهلکی بر آنها می‌آوردند، اورارتوها بودند.

اورارتوها در خلال قرنهای نهم و هشتم پیش از میلاد، از دریاچه ارومیه یا حوزه فرات، از دریاچه گوگچه (واقع در جنوب قفقاز) تا منطقه‌ای که رودخانه ارس در آن جاریست، از سواحل شرقی دریای سیاه، تا موصل و حلب و تا سواحل دریای مدیترانه، را، به عنوان یک دولت مقتدر و جنگجو در قلمرو خود داشته‌اند.

در نیمه اول هزاره اول پیش از میلاد، بعد از آشوریه‌ها، اورارتوها در میان دولتهای خاور نزدیک با قدرت تری، آنها به شمار می‌رفتند

و با استفاده از این قلعه‌های نظامی به راحتی بتوانند قدرتهای مهاجم را درهم شکسته و آنها را از پای آورند.

اورارتو در بخش شرقی آسیای صغیر، که باید زندگی خود را با شرایط سخت و سرد و طاقت فرسای طبیعت، هماهنگ کرده و سپس یک سیستم حکومتی متحدی را به وجود می‌آوردند، که در این راه بالاخره موفق شده و بنیان حکومتی را ریختند که حدود سه قرن پابرجا بود. از طرفی در این زمان بخش شرقی آسیای صغیر، به همان اندازه که برای دامپروری، بویژه گاو و گوسفند و اسب مناسب بود، جهت کشاورزی نیز، امکانات طبیعی لازم را در برداشت. به هر حال اورارتوها اقوامی بودند که از بدو استقرار در این منطقه، با استفاده از تمام امکانات، که طبیعت در اختیار آنها قرار داده بود، از لحاظ معماری، شهرسازی، صنعت فلزگری، کشاورزی و سایر رشته‌های هنری، بسیار پیشرفت نموده و بویژه از نظر هنر فلزگری و معماری، تأثیر قابل ملاحظه‌ای را بر هنر همسایگان خود گذاشتند.

البته در اینجا اشاره به این نکته ضروریست که با توجه به غنی بودن منابع طبیعی در این بخش از آسیای صغیر، نظر اقوام بین‌النهرین، از دورانهای قدیم پیوسته متوجه این منطقه بود که آشوریها برای دست یافتن به منابع طبیعی و مهار کردن اسبهای اورارتو که در این حوزه پرورش می‌یافت و همچنین گاوها، معادن فلزات و درختان جنگلی که بحد فراوان در منطقه موجود بود، این سرزمین را مورد حمله قرار داده و هر آنچه که بدست می‌آوردند با خود به بین‌النهرین می‌بردند.

اورارتوها برای جلوگیری از تهاجمات آشوریها بالاخره به فکر چاره افتاده و در شهر وان امروزی (توشپای قدیم) حکومتی را تشکیل دادند. اسناد تاریخی آشوریها که به اورواتری اشاره می‌کنند، این کلمه با کوه آرارات - آگری (Ararat - Agri) یکی بوده و به طور یقین واژه اورارتو که قبلاً بصورت اورواتری بکار برده می‌شد از کلمه آرارات گرفته شده است.

اورارتوها با وجود این که از لحاظ زبان، عرف و عادت و خصوصیات زندگی با آشوریها، یعنی قوم سامی کاملاً اختلاف داشته

و از آنها متمایز بودند ولی از نظر فرهنگ نتوانسته‌اند خود را از تأثیر فرهنگ دشمنان خود یعنی آشوریها رها سازند. زیرا با مواجهه به اسناد تاریخی که از اورارتوها باقیمانده، بطور یقین این امر روشن می‌شود که در اسناد فوق، هم زبان و هم نگارش آشوریها، مورد استفاده اورارتوها قرار گرفته است. علاوه بر این که اورارتوها عنوانهایی را که، پادشاهان آشوری بکار می‌بردند از آنها اقتباس نموده و حتی شیوه مملکت داری را نیز از آنها فراگرفته و بعضی از خصوصیات زندگی را از آشوریها آموخته‌اند. اسناد تاریخی به جای مانده از اورارتوها برخلاف متون آشوری، کاملاً خشک و به جای بوده و در میان آنها از متون حقوقی، دینی، اقتصادی و ادبی اصلاً خبری نیست. از طرفی لوحه‌هایی که به خط میخی نوشته شده خیلی کم بدست آمده است. به عنوان مثال می‌توان از نامه‌های مکشوفه از کارمیر - بلور که بخط میخی نوشته شده صحبت به میان آورد ولی به طور یقین تعداد اینها بر اثر کاوشهای باستان شناسی افزایش پیدا خواهد کرد.

یکی از لوحه‌هایی که از غارمیر - بلور بدست آمده، نامه‌ایست که به فرمان «ساردوری» سوم یکی از پادشاهان مقتدر اورارتو نوشته شده است. البته لازم به ذکر است که متن این گونه نامه‌ها، نیز بدور از مسائل اقتصادی و زندگی اجتماعی تهیه گردیده‌اند. در این لوحه‌های سنگی هر یک از پادشاهان اورارتو پیوسته از یک نوع کار و یک موضوع، بدین صورت که از پیروزی خود بر علیه دشمنان و گرفتن هزاران اسیر، آوردن غنائم زیاد به کشور، آبیاری زمینهای کشاورزی، ایجاد کانالهای آب برای کشاورزی، ساختن قلعه‌های جدید و معابد، حیواناتی که هر روز برای خدایان باید قربانی شوند و از باغ و باغچه سخن می‌گویند.

قلاعی که از زمان اورارتوها، تا به امروز به طور استوار پابرجاست، زمینهای زراعی که در روی صخره‌های طبیعی بصورت تراسهایی، برای کشاورزی آماده شده، اتاقهایی که در دل صخره‌ها ایجاد گردیده، قبور، تونلهای پله داری که برای دست یافتن به آب، در هنگام محاصره قلعه‌ها توسط دشمن، در دل صخره‌ها کنده شده و

بالاخره آثار فرهنگی بسیار زیادی در کاوشها بدست آمده و غیره، نشانگر این است که پادشاهان اورارتو آنگاه که در لوحه‌های خود مطرح کرده‌اند دروغ و مبالغه‌آمیز نبوده‌اند. با آثار به جای مانده از آنها کاملاً هماهنگی و مطابقت دارند. از طرفی این اسناد تاریخی خشک و یکسان اثبات کننده‌ی دو امر مهم می‌باشد، یکی جنگ و مبارزه بر علیه دشمنان، دوم پرداختن به عدوان و آبادانی کشور، که در حقیقت این دو کار مهم از وظایف عمده پادشاه بشمار می‌رفت. البته این را نیز نباید فراموش کرد که اسرا و غنائم جنگی در عمران و آبادانی کشور نقش بسیار مهم و تعیین کننده را به عهده داشته‌اند به هر حال می‌توان به این اشاره نمود که اورارتوها دارای لشکری منظم و جنگجو و دولت بسیار مقتدری بوده‌اند.

شرایط جغرافیایی سرزمینهای اورارتو چنین ایجاب می‌کرد که، ساختن هر بنا و تهیه هر چیزی به عهده دولت واگذار شود زیرا در این رابطه تشکیلات حکومتی از بنیه بسیار قوی و سالمی برخوردار بود. در زمانهایی که سستی و ضعف در حکومت آشور بوجود می‌آمد. اورارتوها با استفاده از چنین موقعیتی، قدرت گرفت (۷۲۳ - ۸۲۸ ق.م) در نتیجه قسمتی از سرزمینهای آشور و راههایی که از لحاظ بازرگانی و استراتژی مهم بود، به تصرف خود در می‌آوردند.

ولی وقتی که آشوریها، مجدداً قدرت از دست رفته را باز می‌یافتند به قلمرو اورارتوها حمله کرده و در نتیجه قلعه‌ها، کانالها، زمینهای زراعی و باغ و باغچه را ویران و خاک، یکسان می‌کردند. از طرفی اسناد تاریخی آشوریها، از چگونگی به آتش کشیدن و ویران کردن شهرهای اورارتوئی، که از لحاظ آبادانی در خاور نزدیک نظیر نداشت، از کشتار هزاران انسان و از بین بردن هزاران اسیر به کشور خود سخن می‌گویند.

اورارتوها با وجود این که، در مواقع ضروری، با پادشاهان فریگها از جمله میداس (Midas) بر علیه آشوریها، که دشمن مشترک آنها بود، متحد می‌شدند ولی با توجه به قدرت شکست ناپذیر آشوریها این قدرتهای آسیای صغیر که یکی در سرق و دیگری در بخش مرکزی آسیای صغیر حکمرانی می‌کردند با شکست روبرو شده و

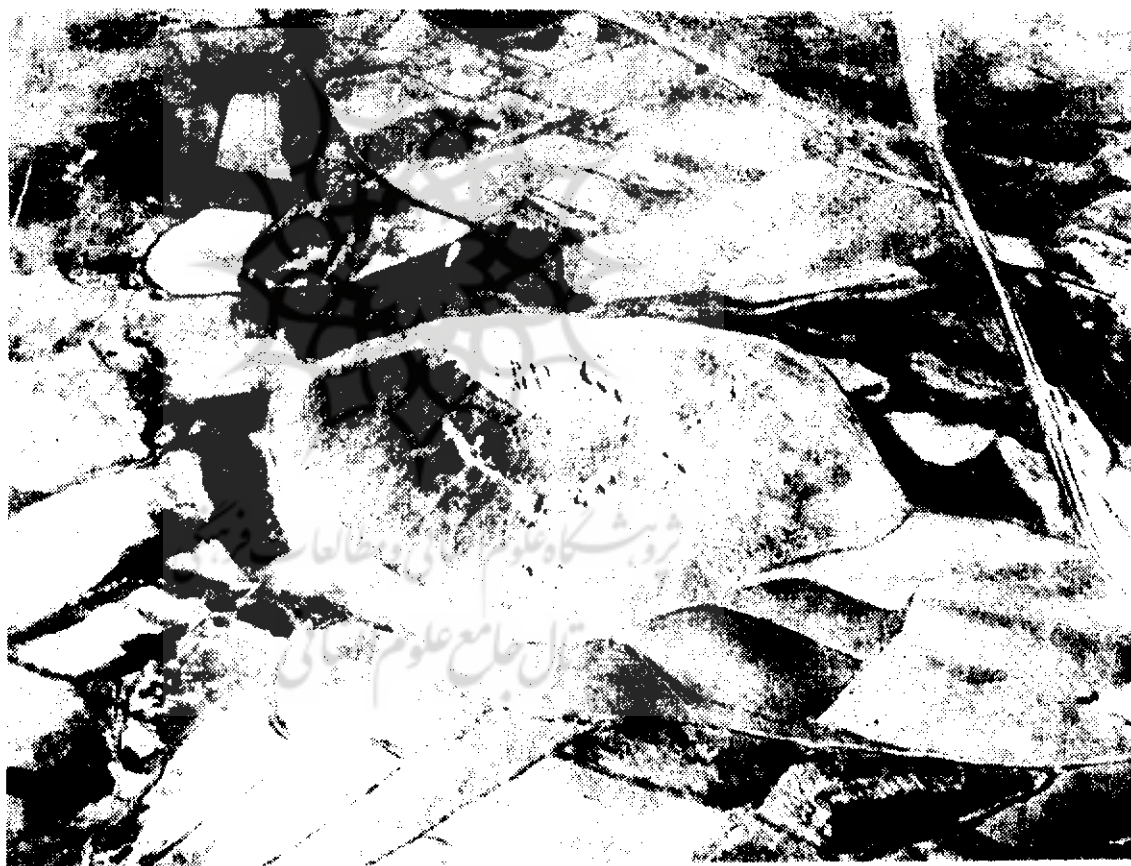
کاری را از پیش نمی‌بردند.

با وجود اینکه پادشاهان ثروتمند آشور، که تمامی خزائن دنیای باستان را به شهرهای نینوا، خورساآباد و نیمرود انتقال داده بودند ولی باز هم به سرزمینهای حاصلخیز و خاک پر برکت اورارتوها به معابد و انبارهای پر از آذوقه آنها، با تعجب نگریسته و پیوسته در اسناد تاریخی خود از آنها بحث و سخن گفته‌اند.

علی‌رغم اینکه آشوریها و اورارتوها دشمن یکدیگر بودند ولی در آخرین واپسین تاریخ خود، به این فکر افتادند که برای مقابله با امواج اقوام جوان و جدیدی که از شمال سرزمینهای آنها را مورد تهاجم قرار داده بود، از در آشتی و دوستی برآمده و برحسب ضرورت، دشمنی را کنار گذاشته و در جوار یکدیگر، با این مهاجمین بجنگند. ولی این اتحاد و دوستی دو دشمنی که در خلال سالها جنگ، همدیگر را ضعیف و ناتوان کرده بودند، بجایی نرسیده و حتی دیگر فرصتی وجود نداشت که این دو دشمن آشتی طلب، به یکدیگر کمک کنند و بالاخره در سال ۶۱۲ پیش از میلاد آشوریها مورد تهاجمات دشمن دیرینه اورارتوها، یعنی مادها و بابلیها واقع شده و بعد از این شکست آشوریها دیگر کمر راست نکرده و برای همیشه از صحنه سیاسی خارج شدند.

مدتی بعد از این واقعه مهم تاریخی، یعنی به سال ۶۰۰ پیش از میلاد اورارتوها نیز گرفتار طوفان حملات مادهای پیروز و متحدین آنها یعنی سکائیها گردیده و بدین ترتیب قدرت آنها هم، برای همیشه درهم شکسته و بعد از این تاریخ، دیگر آنها نیز هیچ وقت در صحنه سیاسی ظاهر نشدند.

از لحاظ نوع حکومتی، اورارتو با یک روش فئودالی اداره می‌شد و همه چیز را خدای خلدی، یعنی خدای خدایان که در عین حال به خدای ملی نیز معروف بود انجام می‌داد و به افتخار این خدا معابد زیادی ساخته می‌شد و هر روز ۱۷ گاو و ۳۴ راس گوسفند برای او قربانی می‌شد و هدایایی که باری او تقدیم می‌گردید از فلزات گرانبها، سنگهای قیمتی، عاج و چوبهای بادوام و پرارزش ساخته می‌شد. این دولت فئودال، بوسیله شخصیت‌های ویژه‌ای که قبلاً به آنها



تصویر ۱. عکس هوایی و دوزنمای آلئین تپه

مأموریت داده می‌شد اداره می‌گردید و اساس فوق در حقیقت قشر ثروتمند جامعه را تشکیل می‌دادند و در اداره امور کشور بعد از شخص پادشاه نقش عمده را به عهده داشتند، بنابراین مسئولین مملکتی که بعضی از آنها به عنوان فرمانروا، شهر را اداره می‌کردند و در داخل قلاع بسیار با شکوه و مستحکم زندگی می‌کردند و در مواقع جنگ با تمام سربازانی که در اختیار داشتند تابع اوامر شاه شاهانی بودند که در شهر وان به عنوان حاکم مملکت حکمرانی می‌کرد و در عین حال، از تمام فرمانروایان، وابسته به حکومت مرکزی مالیات دریافت می‌نمود.

بر اساس کاوشهای باستان شناسی که در شهرها و قلاع اورارتویی تا به امروز صورت گرفته است در رابطه با قشر حاکم که در داخل این قلعه‌ها، زندگی می‌کردند، از داخل بعضی از انبارهایی که ابعادشان ۱۰×۳ متر است تعداد ۸۰ الی ۹۰ خمره سفالین سالم، که محتوی آنها، در حدود ۱۵۰۰۰۰ لیتر شراب بود بدست آمده و یا اینکه حدود یک هزار عدد ظروف کوچک، سفالین شراب و همچنین خمره‌هایی سفالین که زمانی داخل آنها، پر از گندم و جو، لوبیا و روغن نباتی بود یافت شده است.

با توجه به اسناد تاریخی که از زمان اورارتوها بدست آمده است، در یکی از آنها صحبت از نگهداری ۲۲۵۰۰۰ لیتر شراب در داخل خمره‌هاست. حتی متون آشوری از سربازهای ناب اورارتوها و نوشیدن آنها از طرف سربازان آشوری سخن می‌گویند. در مدت زمانی که آشوریها به سرزمینهای اورارتو لشکرکشی می‌کردند، اورارتوها در مواقعی که توانایی مقابله با آنها را نداشتند و اهالی که عموماً بیرون از قلعه در شهر پایینی زندگی می‌کردند، بنا به دستور پادشاه، قبل از رسیدن آشوریها، اشیاء قابل حمل گرانبها را از داخل قلعه جمع‌آوری کرده و اشیاء سنگین سیرقابل حمل را در داخل کاخها، معابد و انبارها رها کرده و با خالی نمودن شهرها، آنها را به مکانی که آشوریها، دسترسی به آنها نداشتند، با خود می‌بردند که در این میان یکی از امن‌ترین و مطمئن‌ترین شهرها که در سرحد، قلمرو غربی اورارتوها واقع شده بود آلتین تپه (Altintepe) می‌باشد.

این شهر دور از آشور و بر سر راه شرق - غرب و در نقطه کنترل دو گذرگاه بزرگی، که به بخش مرکزی آسیای صغیر راه می‌یافت، روی یک تپه‌ای به ارتفاع ۶۰ متر ساخته شده است.

آلتین تپه در خلال قرنهای هشتم و هفتم پیش از میلاد مسیح در بین شهرهای بخش شرقی آسیای صغیر، یک مرکز بسیار مهم هنری و نظامی شناخته شده است. این شهر به وسیله کوههای صعب‌العبور که آشوریها توانایی دست یابی به آن را نداشتند در برگرفته شده است بنابراین از پادشاهان مقتدر آشور نه تیگلت پلسر که شهرهای بزرگ اورارتوها را به آتش کشیده و با خاک یکسان کرده بود و نه سارگن موفق به دست یابی، به آلتین تپه نشده‌اند. بهرحال این شهر بین سالهای ۵۸۵-۶۰۰ پیش از میلاد، از طرف ساکنینش، با احساس خطری که آنها را تهدید می‌کرد خالی شده و دیگر مورد سکونت قرار نگرفته است.

از لحاظ موقعیت جغرافیایی آلتین تپه در ۲۰ کیلومتری شرق شهرستان ارزین جان (ارزنجان) (Erzencan) و در کنار جاده ارزروم - سیواس (Erzurum - Sivas) و در یک دشت حاصلخیز واقع شده است. ساختار طبیعی تپه، ارتفاع ۶۰ متر را نشان می‌دهد و شهر همانند سایر شهرهای اورارتو در روی تپه بنا گردیده و بدین ترتیب، یک دژ دفاعی بسیار مستحکم، در برابر حملات دشمنان بوجود آمده است (تصویر ۱). البته نه آلتین تپه بلکه تمامی شهرهای اورارتو، از لحاظ ساختار دفاعی، بر روی بلندیهای طبیعی ساخته شده و با دژهای بسیار مستحکمی که در این شهرها ایجاد می‌گردید اورارتوها با استفاده از این دژها می‌توانستند حملات دشمنان را خنثی کرده و بر آنها پیروز شوند.

از مهمترین شهرهای اورارتویی که از نظر ساختار دفاعی و بافت شهرسازی قابل مقایسه با آلتین تپه می‌باشند می‌توان از توپراق قلعه (Toprakkale) چاوپ تپه (Cavustepe) کیف قلعه سی (Kefkalesi) کایالیدره (Kayalidere) آرمسایور (Armavir) غارمیربلور (Karmirbulur) آناور تپه (Anavurtepe) آراین برت (Arinbert) بسطام، عقرب تپه، عادل جواز و غیره سخن به میان

۱- کاخ - معبد

معبد مکشوفه در آلتین تپه که تمام ویژگی‌های یک معبد اورارتوئی را دارا می‌باشد. تار و پود اصلی خود را بدون کم و کاست در طول زمان حفظ نموده و رویهمرفته بطور سالم از زیر خاک بیرون آمده است. (تصویر ۳). این معبد بطور کلی ساختار یک مکان مقدس اورارتوئی را که در رابطه با خدای خلدی ساخته شده کاملاً برای ما روشن می‌سازد.

معبد از دو قسمت تشکیل یافته است.

قسمت اول را حیاط معبد که مراسم مذهبی در آن برگزار می‌شد و همچنین مجسمه خدای خلدی و قریبانگهاها که در آن قرار می‌گرفت و گالریها و صلاً تشکیل می‌دهد (تصویر ۴)

قسمت دوم از اتاقهای نشیمن، یک سالن و بخش خدماتی تشکیل می‌یافت و به این ترتیب معبد مهمترین قسمت کاخ را شامل می‌شد. چهار طرف حیاط، بوسیله گالریها ستون دار در برگرفته شده و صلا درست در وسط حیاط برپا گردیده بود و فضایی که بین صلا و گالریها وجود داشت بدون پوشش بوده ولی سقف گالریها با تیرهای چوبی و به صورت مسطح پوشانیده می‌شد. ارتفاع ستونهای چوبی بکار برده شده در گالریها که تعدادشان ۲۰ عدد بوده و به صورت یک ردیف، پیرامون معبد را در برگرفته‌اند، ۴/۵ متر می‌باشد. هتمه پاستونها از سنگ آندزیت به شکل دایره به قطر ۷۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۲۰ سانتیمتر ساخته شده و به طور سالم و دست نخورده محفوظ مانده ولی همه ستونها بر اثر مرور زمان پوسیده و از بین رفته‌اند.

ابعاد حیاطی که معبد در آن ساخته شده است از داخل ۲۷×۲۷ متر بوده و خود معبد که به شکل یک برج مکعب می‌باشد هر یک از اضلاع بیرونی آن ۱۳/۸۰ متر است. معبد کاملاً در وسط حیاط ساخته نشده بلکه فاصله دیوار شمالی آن با دیوار شمالی حیاط، کمتر از فاصله سه دیوار معبد با سایر اضلاع حیاط می‌باشد (تصویر ۴). و این شیوه کار یکی از مهمترین خصوصیات مشترک معابد اورارتوئی می‌باشد. جلوی معبد برای تجمع مردم، جهت برگزاری

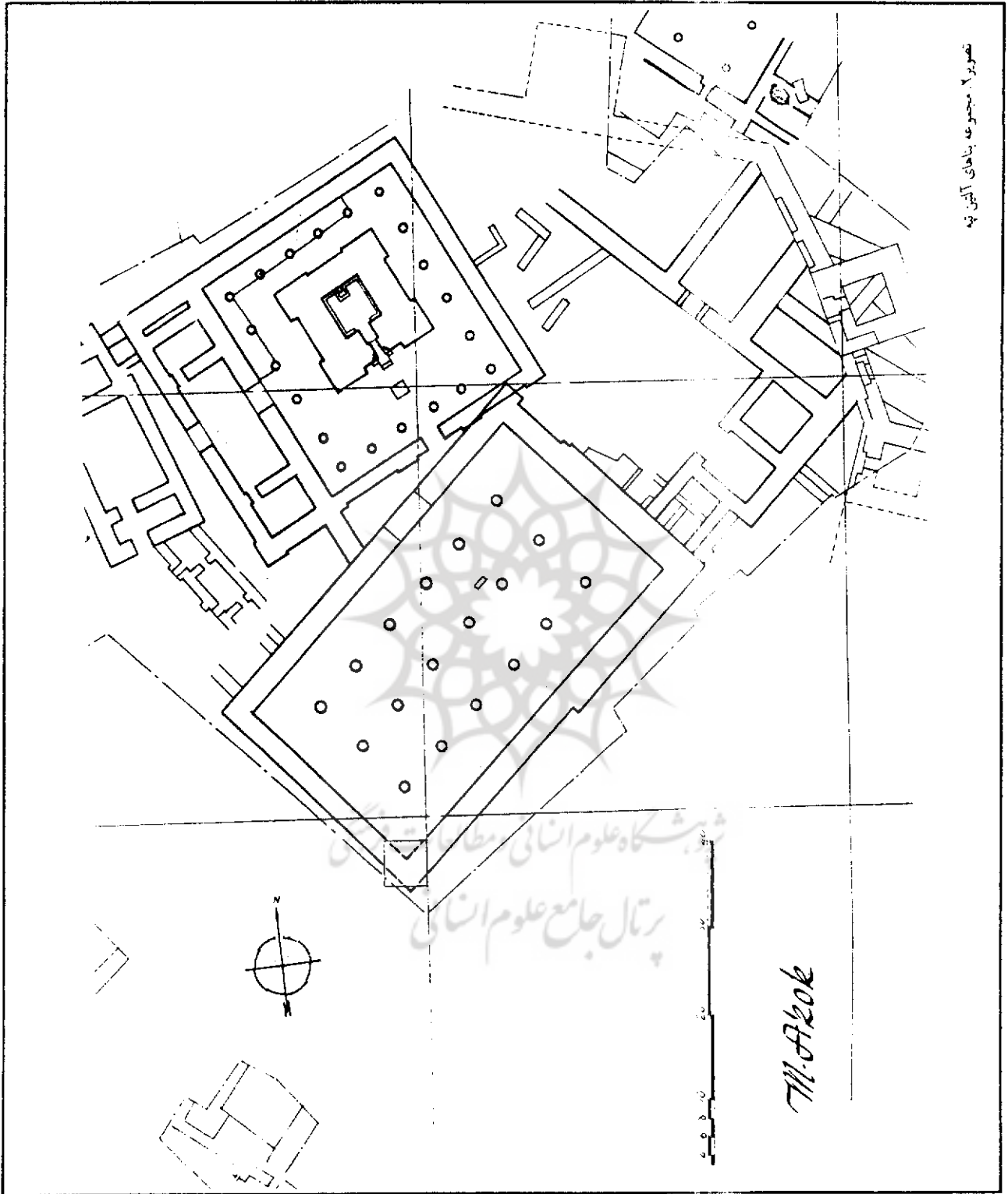
آلتین تپه مورد بحث، بسریستی پروفیسور تحسین اوزقوج (Tahsin Özgüc) و با اشتراک مؤسسه تاریخ و سازمان میراث فرهنگی مورد کاوش قرار گرفته است. این تپه که بیشترین قسمت تار و پود آن را صخره تشکیل می‌دهد، بر سر یک جاده بازرگانی بسیار مهم تاریخی که دنیای شرق باستان را به دنیای غرب ارتباط می‌داد. قرار گرفته - و از فرسنگها راه جلب توجه می‌کند.

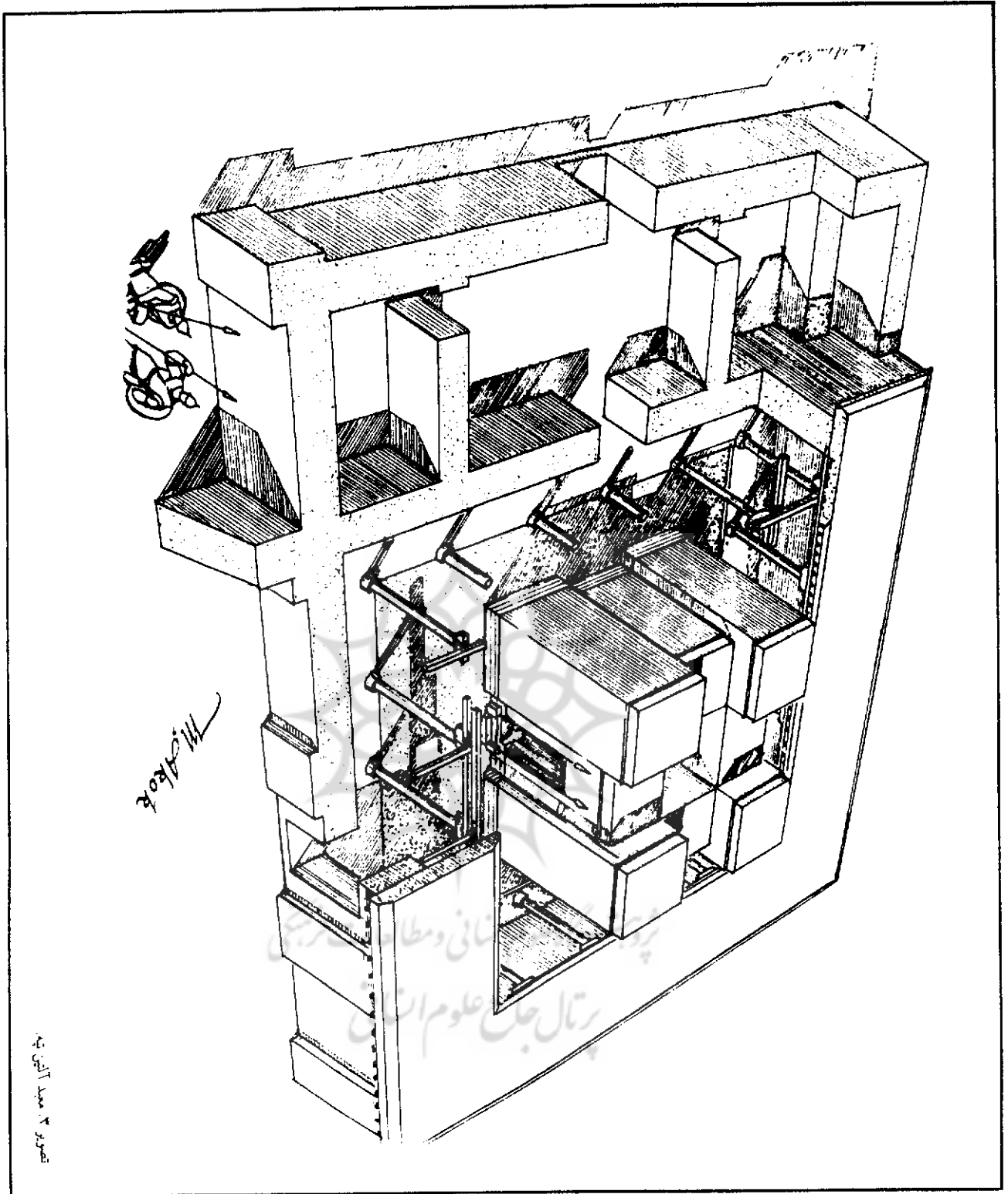
معماران اورارتو با استفاده از قطعه سنگهای بزرگ دو حصار بسیار مستحکم تو در تو، با پی سنگی و دیوار خشت چین، در پیرامون این شهر ایجاد کرده‌اند که ضخامت دیوار بیرونی به ۱۲ متر می‌رسد و قلعه‌ای که اطراف آن را چنین باروهای در برمی‌گرفت در فواصل معین دارای برجهای بلندی بود که نگهبانان با استفاده از آنها می‌توانستند جهات حملات دشمنان را براحتی کنترل کنند.

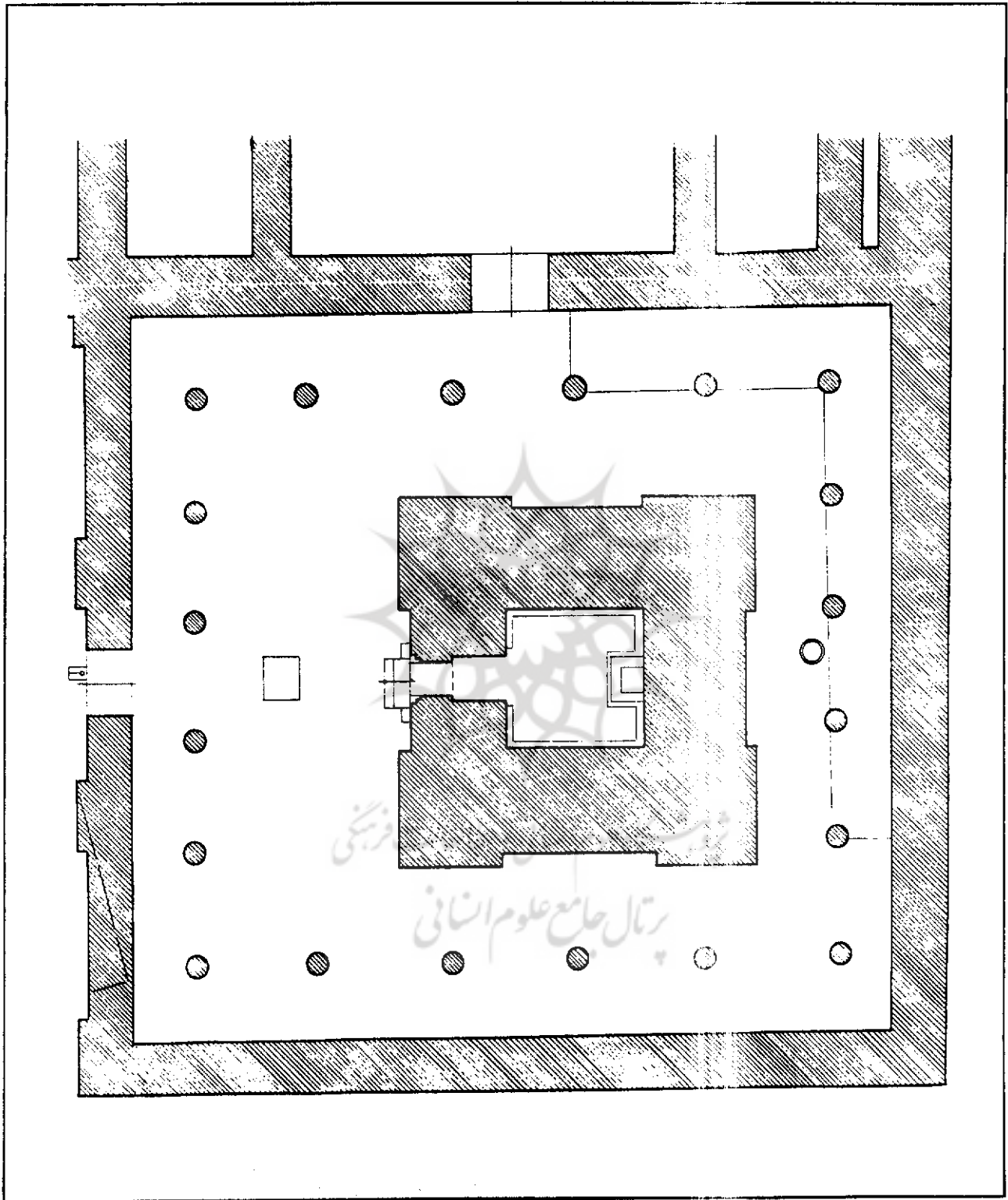
حجاران و معماران اورارتو، برای ساختن دژ آلتین تپه نه تنها در بریدن و حجاری سنگها از خود مهارت و استادی نشان داده‌اند بلکه در رابطه با حمل قطعه سنگهایی به وزن ۲۰ الی ۲۵ تن، تا ارتفاع ۶۰ متری و بکارگیری آنها در دیوار سازی، با تکنیکهای زمان نیز آشنایی کامل داشته‌اند. زیرا سنگهای حجاری شده چهار گوش که در معبد آلتین تپه بکار گرفته شده شاهد روشنی ایست بر این مدعا.

آلتین تپه‌ای که بطور اتفاقی و براساس کاوشهای غیرمجاز شناخته شده است در نتیجه کاوشهای باستان شناسی، با روشهای علمی، توسط تحسین اوزقوج، در آن، ویژگیهای هنری اورارتوها را در رشته‌های مختلف از شهرسازی و معماری گرفته تا فلزکاری و سفالگری و غیره در واپسین غروب این تمدن، که به اوج پیشرفت و تکامل خود رسیده بود، در باستان شناسی آسیای صغیر، جای خاص آن را مطرح نموده است.

بناهایی از قبیل کاخ - معبد، انبارهای آذوقه، اطاقهای تدفین، معبدی در هوای باز و آپادانا (تالار بارعام) از یافته‌های مهم این شهر می‌باشند (تصویر ۲) که در اینجا بطور اجمال به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم.







تصویر ۴. نقشه مسجد آلبنی تبه



تصویر ۵ معبد آئین به وی سنگی آن

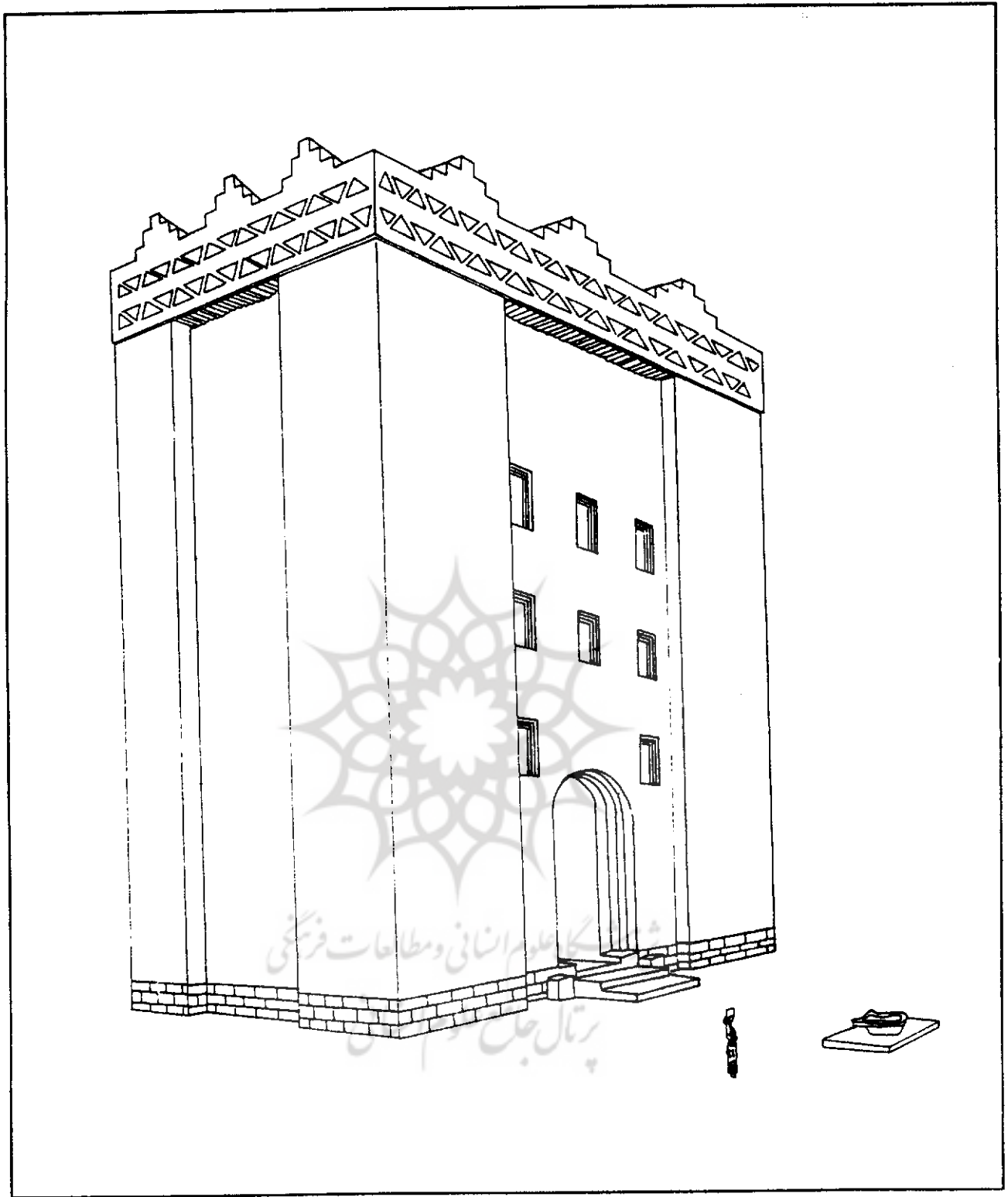
مراسم مذهبی دارای ابعاد بیشتری بود و درست در روبروی ورودی معبد یک قربانگاه چهارگوش که از سنگ ساخته شده جلب توجه می‌کند، قربانگاه دیگر به شکل کاسه که پس از آن سوراخ می‌باشد و از سنگ ساخته شده است در پشت معبد دیده می‌شود (تصویر ۴). ضخامت دیوارهای معبد که در قسمت پایینی از سه ردیف سنگهای چهارگوش کاملاً حجاری شده بناگردیده (تصویر ۵) ۴/۳۵ متر بوده و ارتفاع این پی سنگی که زیر بنای معبد را تشکیل می‌دهد ۱/۱۵ متر می‌باشد. چهار طرف معبد از لحاظ شیوه دیوار سازی ۵۰ سانتیمتر تو رفته و بدین ترتیب کوبه‌های آن به شکل برج خودنمایی کرده است. عرض ورودی معبد ۱/۱۵ متر بوده و برای وارد شدن بداخل آن از دو پله سنگی که از یک سنگ یکپارچه ساخته شده است استفاده می‌کردند. جهت راه یافتن به بخش اصلی معبد کریدوری ساخته شده است که درازای آن ۳/۸۰ متر و پهنای آن ۱/۵ متر است. بخش اصلی معبد که صلاً ناه دارد به شکل یک مربع کامل بوده و هر یک از اضلاع داخل آن ۵/۲۰ متر می‌باشد. برخلاف پوشش شیروانی شکل معبد موساسیر، در پوتسایدین سقف معبد آلتین تپه همانند معبد توپراق قلعه (تصویر ۶) از شیوه مسطح استفاده کرده‌اند. مصالح بکار برده شده در ساختمان معبد، در پی تا ارتفاع ۱/۱۵ متری سنگهای حجاری شده چهارگوش بوده و روی پی سنگی دیوارها عموماً از خشت ساخته می‌شدند. علت موجودیت دو قربانگاه در معبد برجی شکل آلتین تپه به خاطر این بوده است که مردم در مواقع برگزاری مراسم مذهبی حیواناتی را برای قربانی کردن تقدیم این برجهای می‌نمودند. نور داخل معبد یا از ورودی یا از طریق سقف و یا اینکه بوسیله پنجره‌هایی که در بالاترین قسمت دیوارها و زیر پوشش سقف ایجاد می‌گردید، تأمین می‌شد. در رابطه با ارتفاع معبد اندازه مشخصی را نمی‌توان مدترج نمود ولی بنایی که شالوده آن از استحکامات ویژه‌ای برخوردار بوده و پی سنگی آن با ضخامت بیشتری ساخته شده است بنابراین ارتفاع آن رویهمرفته به اندازه کعبه زرتشت در نقش رستم و بنایی مشابه آن در پاسارگاد بوده است که اینک هخامنشیان در ساختن دو ساختمان دو بنای فوق به طور

یقین از معابد اورارتوئی و شاید هم از معبد آلتین تپه الهام گرفته‌اند زیرا قبل از هخامنشیان ساختمانهای برج مانند بدون شک تنها در اورارتوها آنهم در چهارچوب بناهای مذهبی مرسوم بوده است.

با وجود این که براساس کاوشهای باستان شناسی در انتهای معبد و درست در مقابل در ورودی یک پایه سنگی چهارگوش جهت قرار دادن مجسمه یافت شده ولی متأسفانه مجسمه خدا که به احتمال از فلز گرانبها و یا اینکه از عاج ساخته شده و زمانی روی پایه سنگی قرار می‌گرفت بدست نیامده است. البته در این رابطه می‌توان به این اشاره نمود که ساکنین محل به خاطر این که مجسمه خدایانشان بدست دشمن نیفتد در مواقعی که دشمن شهر را مورد حمله قرار می‌داد آنها را با خودشان حمل کرده یا این که در جایی مخفی می‌کردند.

از داخل معبد در رابطه با خدای خدایان یعنی خلدی که حاکم بر همه امور بود، اشیا فلزی از قبیل سرتیرها که سمبل خدای خلدی بود، عصاها، گرزها، ظروف و اشیا چوبی بدست آمده است. از طرفی اشیا نذری که از ارزش والایی برخوردار بودند در نزدیکی ورودی حیاط و داخل گالریها کشف گردیده که بعضی از اشیا فوق از قبیل سپرها و کلاه خودهای مفرغی به دیرکهای دو طرف ورودی معبد آویزان می‌شدند. غیر از اشیا فوق اشیا عاجی از قبیل مجسمه‌های شیر (تصویر ۷) نیم تنه انسان، جانوران تخیلی (انسان بالدار با سری به شکل عقاب) صورتهای انسان، قرص بالدار و درخت پالمت از یافته‌های مهم داخل معبد به شمار می‌روند که برخی از این اشیا عاجی برای تزئین تختها و میزهای خدایان به کار می‌رفتند.

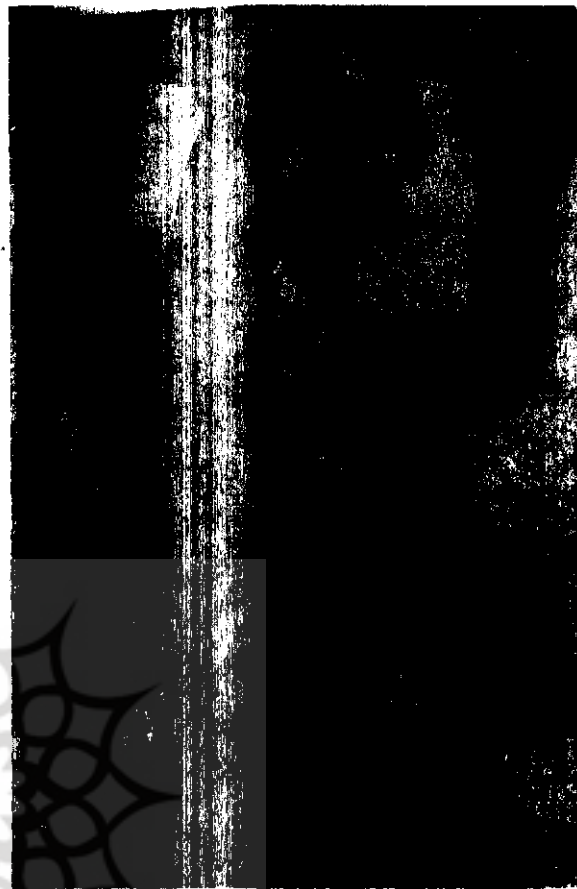
این گونه آثار فرهنگی قابل مقایسه با اشیایی هستند که سارگون بزرگ پادشاه آشور از شهرهای اورارتوها به دست آورده و در کتیبه‌های خود به آنها اشاره کرده است. از طرفی با وجود این که همه اشیا فوق به دستور پادشاهان و فرمانروایان محل بدست هنرمندان بومی ساخته شده‌اند ولی در اسناد تاریخی اورارتوها اشاره بر این است که ۶۶۰۰ اسیری که در جنگها بدست پادشاهان اورارتو گرفتار شده‌اند در ساختن شهر آلتین تپه در روی تپه‌ای به ارتفاع ۶۰ متر



نصوبير ۶. معد توپراق قلعه



جانور افسانه‌ای از عاج



تصویر ۷. مجسمه شیر از عاج با روکش طلائی

با دقت بیشتر و نظم ویژه‌ای ساخته شده و سطوح جانبی دیوارهای داخلی آن با نقاشی تزیین گردیده است. برخلاف پی سنگی معبد، که از سنگهای حجاری شده چهارگوش ساخته شده، در پی همه اتاقها از سنگهای غیرمنظم استفاده شده و ارتفاع پی سنگی آنها در حدود ۳۰ سانتیمتر می‌باشد. سه اتاقی که در ضلع غربی معبد ساخته شده‌اند بدون شک در مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در ضلع غربی این اتاقها یک کریدور غیرمنظم و در رابطه با این کریدور ۴ اتاق دیگر در اندازه‌های مختلف، در طرف چپ آن مشاهده می‌شود که جهت سکونت و کارهای خدماتی پیرامون کاخ - معبد بر پا گردیده‌اند. در داخل اتاق بزرگ این مجموعه، یک پاستون سنگی جلب توجه می‌کند و سطوح جانبی این اتاق نیز همانند اتاق قبلی با

نقش عمده را به عهده داشته‌اند. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد معبد *الکین* تپه یک بنای منفرد نبوده بلکه قسمتی از یک کاخ باشکوه را تشکیل می‌دهد. کاخ که در بخش غربی معبد بنا گردیده دارای اتاقهای زیادی می‌باشد که بوسیله یک کریدور غیرمنظم به دو بخش تقسیم می‌شود (تصویر ۲). اندازه‌های سه اتاقی که در طرف غرب معبد ساخته شده‌اند به ترتیب $6/5 \times 5$ متر، $14/5 \times 6/5$ متر و $6/5 \times 5$ متر می‌باشد. این اتاقها از طریق یک ورودی به هم راه داشته و بد وسیله یک ورودی نیز با حیاط ارتباط پیدا می‌کنند. از داخل این اتاقها هیچ اشیایی بدست نیامده زیرا ساکنین قبل از ترک محل، اتاقها را کاملاً خالی کرده‌اند. اتاق مستطیل شکل اولی با استفاده از پی سنگی و دیوار خشت چین

۲- انبارها

فرمانروایان اورارتو در داخل هر دژی که زندگی می‌کردند به مواد تغذیه توجه خاصی داشته و جهت انبار کردن و نگهداری آنها بیوسته کوشیده‌اند، بنابراین انبارهای آنها در خلال زمستانهای بسیار سرد و طولانی و در مقابل محاصره دشمن همیشه پر بوده است. براساس کاوشهای باستان شناسی در آلتین تپه انبارهایی در قسمت شمال شرقی از زیر خاک بیرون آمده و خمره‌های سفالین زیادی با نظم و ترتیب خاص در کف اتاقها در عمق بیشتر، جاسازی شده بودند. انبار متشکل از ۵ اتاق می‌باشد که دو تای آنها از زیر خاک بیرون آمده و ۳ تای دیگر هنوز بخوبی کاوش نشده‌اند. اندازه اتاق بزرگ $10 \times 15/8$ متر بوده و چهار پا ستون سنگی دایره شکل از داخل اتاق بدست آمده است. پاستونها از لحاظ شیوه کار همانند پاستونهای معبد از ظرافت ویژه‌ای برخوردار بوده و با توجه به بقایای پوسیده چوب بکارگیری ستونهای چوبی در این اتاق نیز کاملاً برای ما روشن می‌شود. از داخل این اتاق تعداد ۶۰ عدد خمره سفالین در شش ردیف ده تایی که همگی تا نصف بدنه با ایجاد گودی در کف اتاق جاسازی شده بودند بدست آمده است.

همه خمره‌ها به یک اندازه و به یک شکل ساخته شده، گردنهای استوانه‌ای، بدنه‌ها تخم مرغی، پایه مسطح، لبه‌ها بیرون آویخته و دو نوار تقویتی برجسته با تزیین حصیری بصورت کنده، در بدنه‌ها، از ویژگیهای این خمره‌های سفالین است. از ویژگیهای دیگر خمره‌ها می‌توان به جداره ضخیم و بکارگیری لعاب قرمز جلا یافته اشاره کرد. از طرفی همانگونه که در نمونه‌های غار میر - بلور، نیز مشاهده شده در قسمت بالای نوار اولی برخی از خمره‌ها، مقدار مواد غذایی که در داخل آنها جای می‌گرفت با خط هیروگلیف اورارتو، بصورت کنده مشخص گردیده است. در داخل اتاق دومی که اندازه‌اش کمتر از اتاق اولی نبوده است سه ردیف خمره سفالین شش تایی بدست آمده و از هر لحاظ مشابه خمره‌های اتاق اولی می‌باشند. البته چنین انبارهای ارزاق نه تنها در آلتین تپه بلکه در اکثر شهرهای اورارتو بویژه در غار میربلور، توپراق قلعه کف قلعه سی، کایالی دره و چاوش تپه نیز

نقاشیهای دیواری تزیین یافته است. کف همه این اتاقها بر اثر کوبیدن خاک سفت کاری شده و پوشش سفیفا با تیرهای چوبی بصورت مسطح پوشانیده شده‌اند. در این اتاقها نیز مصالح معماری در پی سنگ و دیوارها خشت بوده و در مجموعه بناهای آلتین تپه تمامی خشتهای بکار رفته در یک اندازه ساخته شده و ابعاد آنها $15 \times 5 \times 6$ سانتیمتر مشخص شده است.

در سطوح جانبی دیوارهای اتاقها روی زمینه آبی روشن، با استفاده از رنگهای قرمز و قهوه‌ای روشن و سفید، تصاویر جانور تخیلی، انار، پالم، شیر و تزئینات هندسی به معرض نمایش گذاشته شده‌اند.

به شیوه امروزی، دودکشهای اطاقها در میان دیوارهای ضخیم ایجاد شده و جهت فاضلاب ساختمانها از کانالهای سنگی زیرزمینی استفاده کرده‌اند. جلوی اتاقها را عموماً با سنگهای ریز رودخانه در رنگهای سفید، سیاه، قرمز و سبز به شیوه موزائیک کاری سنگفرش کرده و به این ترتیب جلوی ورودیها، از جلوه خاصی برخوردار می‌باشد.

بخش درونی بناهای اورارتو با بیرون آن کاملاً متفاوت بود، زیرا به همان اندازه که قسمتهای بیرونی ساختمانها یکسان و یکنواخت ساخته می‌شد، بخش داخلی آنها زیبا و ظریف و منقوش تهیه می‌گردید. رویهمرفته چنین شیوه معماری از سه عنصر ساختمانی، یعنی ستونهای نازک و بلند، گالریها و نقاشیهای دیواری تشکیل شده بود.

معبدی که در بالا به آن اشاره شد از لحاظ نقشه و ویژگیهای معماری، تنها مختص به اورارتوها بوده و مشابه آن نه در بین النهرین و نه در معماری هی تیتها تاکنون مشاهده نشده و تنها نظیر آن را همان طوری که قبلاً نیز اشاره شد می‌توان در پاسارگاد و نقش رستم مشاهده کرد. بنابراین معماران اورارتو در ساختن این گونه معابد که در اکثر شهرهای آنها بدست آمده تبحر خاصی از خود نشان داده و در خلاقیت این نوع بناهای با شکوه و مقدس پیوسته کوشیده‌اند.

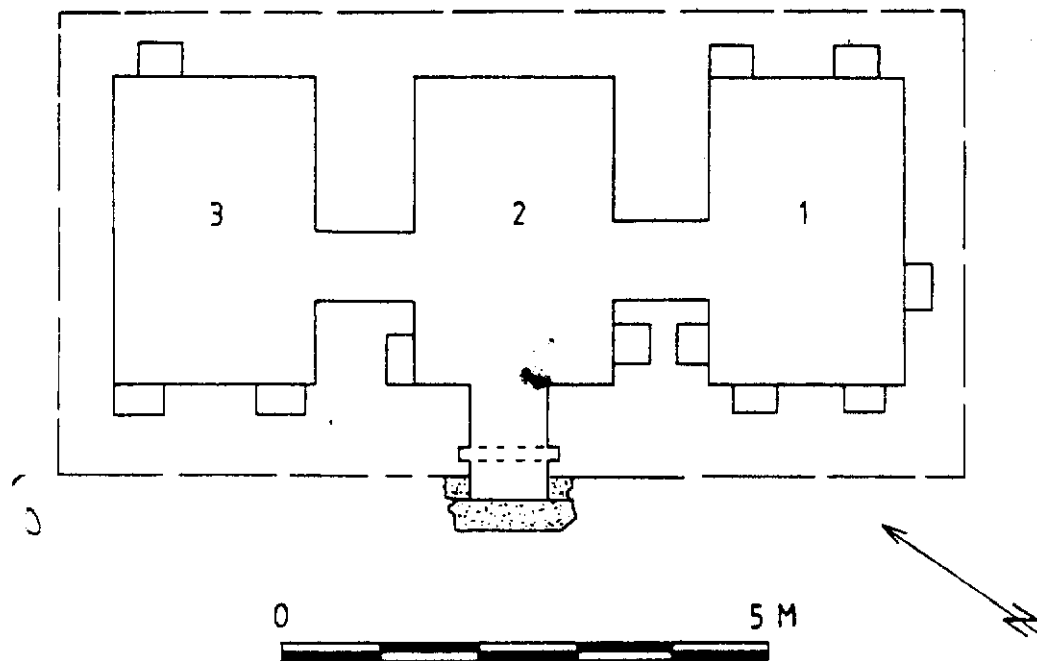
بدست آمده است.

۳- آرامگاههای زیرزمینی

اجساد فرمانروایان آلتین تپه در دامنه شرقی تپه در داخل آرامگاههای اتاقی شکل دفن می‌شدند (تصویر ۲). این آرامگاهها از لحاظ شیوه سنگ کاری، ساختار معماری و هدایای گرانبهای تدفینی، در بین قبور خاور نزدیک، ارزشمترین آنها به حساب می‌آیند. همه آرامگاهها در زیرزمین، با سنگهای بریده شده چهارگوش و در یک محوطه حدود ۴۰ متر مربع و به شکل چهارگوش بنا گردیده‌اند. از سه آرامگاهی که در این محل کشف شده‌اند، یکی بر اثر ریزش خاک مورد یغما قرار گرفتند. بومی از طرف اهالی محل تخریب و اشیاء داخل آن به سرقت رفته و تنها در کاوشهای علمی مجدد در قبور فوق، اشیاء کوچکی از نقره و مشرغ و آهن و چوب و عاج بدست آمده است و اما گور سومی که به طور سالم و دست نخورده کشف گردید از لحاظ بافت معماری و نشانه کاملاً قابل مقایسه با دو آرامگاه قبلی بود. برای ساختن آرامگاه شماره یک ابتدا دامنه تپه را، بر اثر هموار کردن به شکل یک تراش در آورده و سپس در یک محوطه ۹×۴/۵ متر و در جهات شمال غربی و جنوب غربی سه اتاق مستطیل شکل در کنار یکدیگر که به وسیله یک کریدور بهم راه داشتند بنا گردیده است (تصویر ۸). ضخامت دیوار شمالی آرامگاه ۹۰ سانتیمتر و دیوار بین اتاقها ۱ متر می‌باشد. کف اتاقها با خاک سفت کاری شده و ارتفاعشان از کف تا سقف ۲/۷۵ متر بوده و هر سه اتاق از داخل، با سنگهای پاک تراش، دیوار سازی شده و سقف آنها با استفاده از سنگهای یکپارچه بصورت دلالی پوشانیده‌اند. در میان آرامگاههای مکشوفه از آلتین تپه در این آرامگاه اتاقها پوشش هلالی داشته و بقیه به طور مسطح پوشانده شده‌اند. در داخل اتاقها بر اثر کنده کاری طاقچه‌هایی را جهت قرار دادن هدایا ایجاد کرده‌اند که بالای آنها نیز هلالی می‌باشند. اندازه همه اتاقها یکی بوده و ابعادی برابر ۳/۰۵×۲ متر را نشان می‌دهد. برای وارد شدن به داخل اتاقها تنها یک ورودی ساخته شده که ارتفاع آن ۱/۲۷ متر و پهنایش

۸۰ سانتیمتر است و این ورودی به وسیله دو سنگ قطعه بزرگ یکپارچه پوشانیده می‌شد. برای وارد شدن به اتاق سومی با استفاده از یک ورودی به پهنای ۷۰ سانتیمتر که، در اتاق دومی و بدون در ساخته شده بود، صورت می‌گرفت. این اتاق نیز دارای طاقچه‌هایی بود و از داخل آن بقایای استخوانهای خرد شده یک بچه، قطعات سفال و اشیاء چوبی به دست آمده است. با توجه به بقایای اسکلت بچه در داخل این اتاق، می‌توان به این مهم اشاره کرد که اورار توها در آلتین تپه، اجساد مردگان خود را بدون اینکه بسوزانند در داخل تابوتهای چوبی قرار داده و سپس با تشریفات خاصی آنها را دفن می‌کردند و بعد از پایان مراسم روی اتاقها را بصورت هلالی پوشانیده و سپس به ضخامت ۴۰ سانتیمتر سنگهای ریز و درشت روی آنها ریخته و بالاخره با ریختن یک لایه ضخیم خاک و خشت آن را با سطح تپه هم تراز کرده و بدین ترتیب مخفی می‌کردند.

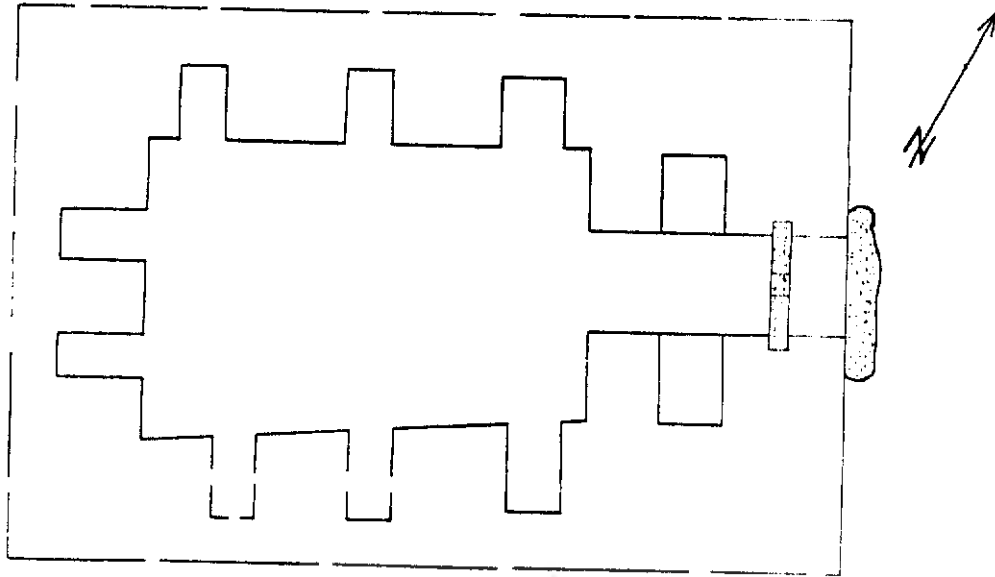
آرامگاه شماره ۲ در فاصله دو متری گور شماره یک و در جنوب غربی آن و در یک محوطه به ابعاد ۷/۵×۵ متر که از دو اتاق مستطیل شکل تشکیل می‌شود ساخته شده است (تصویر ۹). اندازه اتاقها یکسان بوده و از داخل، هر یک رویهمرفته ۵/۲۵×۴ متر می‌باشد. جهت وارد شدن به اتاقهای تدفین، کریدورهایی جلب توجه می‌کنند که طول آنها ۲/۴۰ متر و عرضشان ۹۰ سانتیمتر و از داخل، به ارتفاع ۱/۲۵ متر است. همانند آرامگاه شماره یک در داخل این اتاقها نیز تاقچه‌هایی برای قرار دادن هدایایی مشاهده می‌شود. اتاقها از داخل با سنگهای حجاری شده ساخته شده و ارتفاع آنها از داخل ۲ متر می‌باشد. پوشش اتاقهای تدفینی در گور شماره ۲ برخلاف گور شماره یک به طور مسطح صورت گرفته و پشت بامها نیز نظیر شماره یک پوشانیده شده است. در داخل هر یک از اتاقها، بدون استفاده از تابوتهای سنگی و یا چوبی جسد را مستقیماً روی کف قرار داده و با توجه به اشیایی که از داخل یکی از آنها بدست آمده زن بودن جسد کاملاً برای ما روشن می‌شود. لازم به ذکر است که فاصله بین دو اتاق از یکدیگر در حدود ۲ متر بوده و در آنها با سنگهای یکپارچه بسیار بزرگتر پوشیده است.



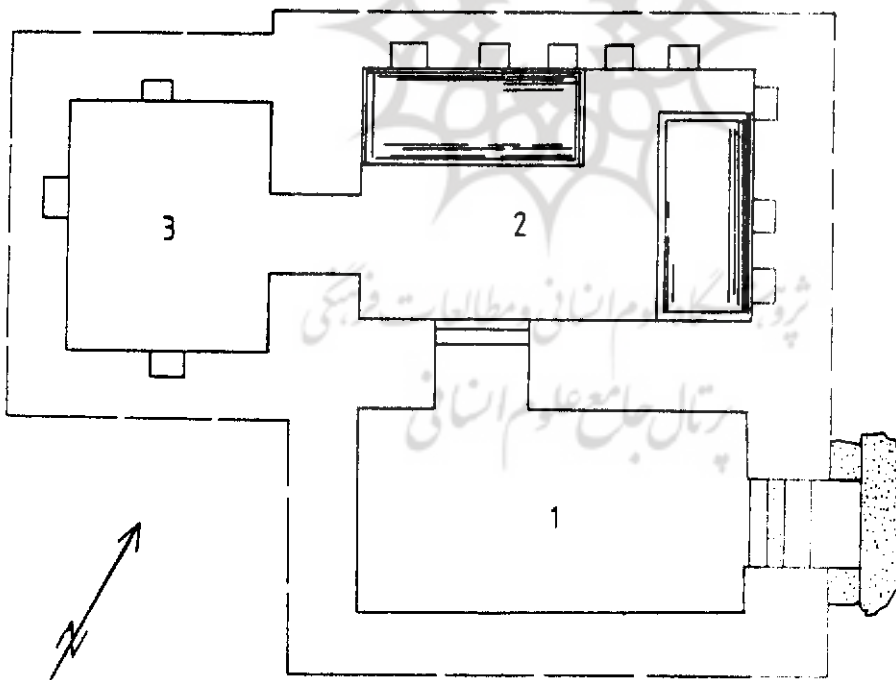
تصویر ۸. آرامگاه زیرزمینی شماره ۱

توجه می‌کند. این تابوتها به یک اندازه ساخته شده طول آنها از بیرون ۲/۲۳ متر بلندی ۹۹ سانتیمتر و عرضشان ۸۵ سانتیمتر است و ابعاد تابوتها از داخل ۱۸۶×۶۸ سانتیمتر بوده و پوششهای آنها بدون دستگیره و هلالی شکل می‌باشند. اجساد بطور چمباتمه در داخل تابوتها قرار گرفته و متعلق به یک زن و مرد می‌باشد. از داخل تابوت مرد، که احتمالاً بین سنین ۵۰-۴۵ فوت کرده و با قد ۱۷۴ سانتیمتر، چیزی بدست نیامده ولی در بیرون تابوت، سرپیکانها و یک سیر مفرغی یافت شده است. سن زن فوت شده بین ۵۵-۵۰ تخمین زده شده و قد او به احتمال ۱۶۰ سانتیمتر بوده و از داخل تابوت او اشیا تزئینی از طلا و نقره و سنگهای گران قیمت بدست آمده که بعضی از آنها دگمه‌های طلایی و نقره‌ای را تشکیل می‌دهند. لازم به ذکر است که اجساد در جهات مختلف داخل تابوتها قرار گرفته بنابراین چنین تصور می‌رود که اورارتوها از لحاظ شیوه تدفین بجهت اهمیت نمی‌داده‌اند. در کنار یکی از تابوتها از درخت

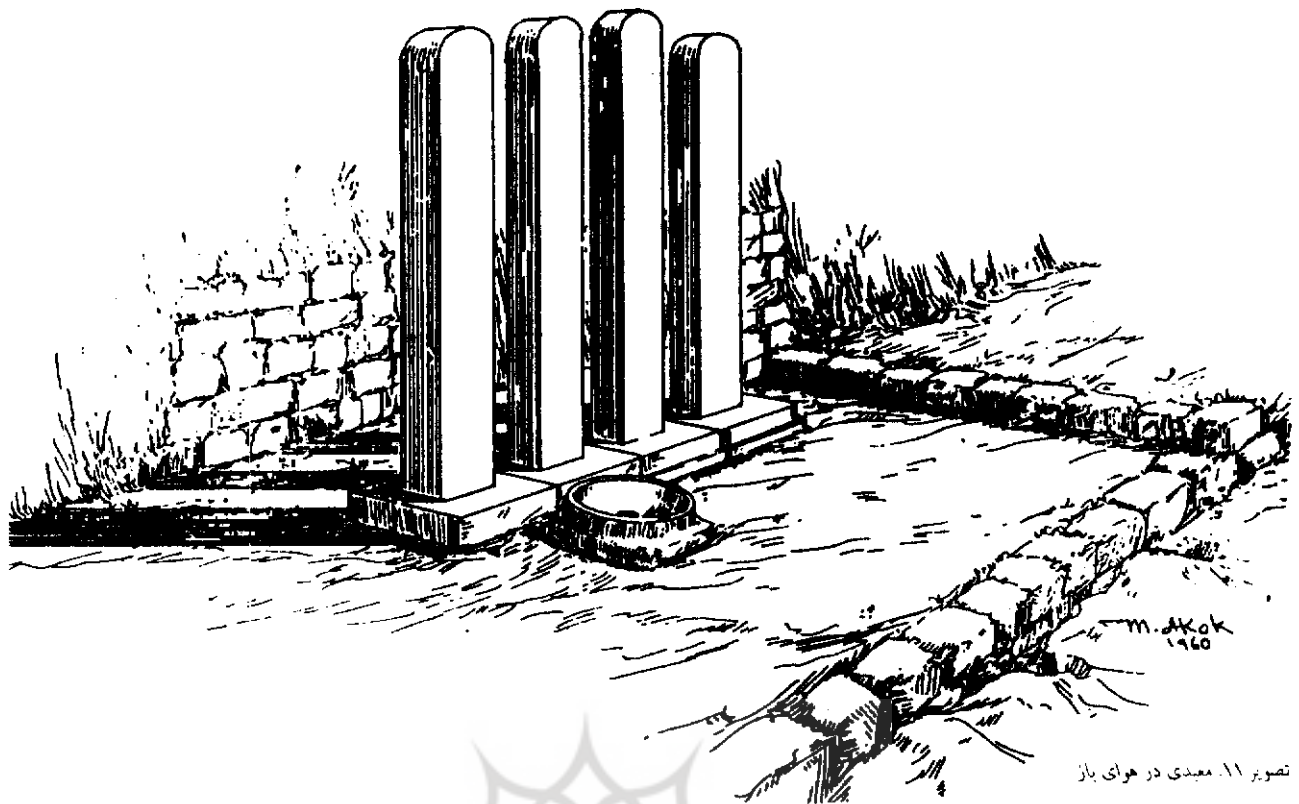
آرامگاه شماره ۳، در ۱۶ متری جنوب غربی آرامگاه شماره ۲ به طور سالم و دست نخورده کشف گردیده است. برای ساختن این گورخانه، صخره طبیعی را کاملاً صاف کرده و یک محوطه‌ای به ابعاد ۶/۷۵×۸/۵ متر را، جهت بنای سه اتاق تدفین آماده کرده‌اند. اتاق اولی دارای ۴ متر دراز و ۲ متر پهنا بوده و اندازه ورودی آن حدود یک متر است. دیوارهای این اتاق از داخل با سنگهای حجاری شده بنا گردیده و بدون طاقچه می‌باشد (تصویر ۱۰). کف آن با خاک سفت کاری شده و اکثر اشیا بدست آمده از داخل این اتاق مجاله شده و در میان اشیا بقایای یک ارابه جنگی، زین و برگ اسب و سلاحهایی از مفرغ و آهن و غیره اشاره بر این دارند که بدون شک در داخل آن، جسد یک پادشاه به خاک سپرده شده است. از اتاق اولی بوسیله یک ورودی وارد اتاق اصلی می‌شویم که ابعاد آن ۴×۲/۵ متر بوده و پهنای ورودیش یک متر می‌باشد. در داخل این اتاق دو تابوت سنگی یکی در کنار ضلع شرقی و دیگری، چسبیده به دیوار شمالی جلب



تصویر ۹. آرامگاه زیرزمینی شماره ۶



تصویر ۱۰. آرامگاه زیرزمینی شماره ۳



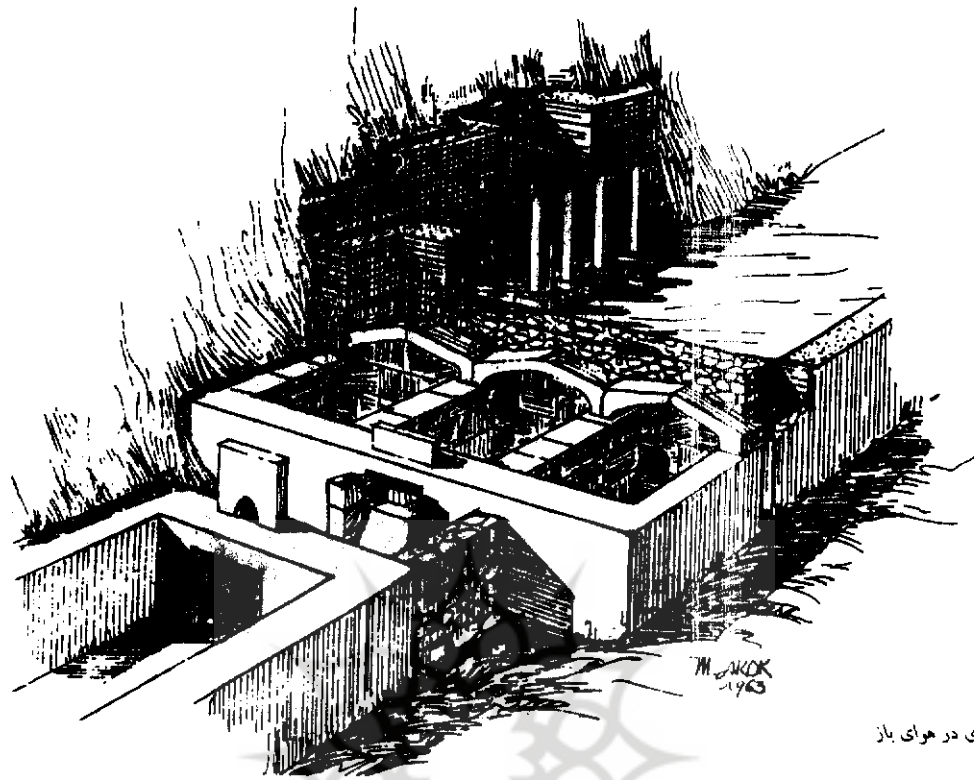
تصویر ۱۱. معبدی در هوای باز

از سنگهای جمع‌آوری شده پوشانیده و بعد از آن نیز با مخلوطی از خاک و خشت یک لایه ضخیم یک متری را روی آن اضافه کرده‌اند. با وجود این که ورودی اصلی آرامگاه شماره ۳ را با یک تخته سنگ بزرگ پوشانیده بودند ولی جهت پوشانیدن ورودی دومی که فاصله زیادی با اولی نداشت از در سنگی کشویی استفاده کرده و بدین ترتیب در مواقعی که می‌خواستند جسد بعدی را در این گورخانه به خاک بسپارند، بتوانند در کشویی را بالا کشیده و وارد آن بشوند. البته این شیوه کار نه تنها در این آرامگاه، بلکه در هر سه گور به طور یکسان عمل شده است. در اینجا اشاره به این نکته ضروری است که در اورارتو، برای نخستین بار به این گونه معماری تدفین برخورد شده و غیر از آلتین تپه از سایر استقرارهای اورارتوئی شناخته نشده است. بدون شک این اتاقهای تدفین زیرزمینی در رابطه با اجساد فرمانروایان و خانواده‌های آنها ساخته شده و اجساد انسانهای عادی یا در قبور معمولی به خاک سپرده می‌شد، و با اینکه آنها را سوزانیده و

گردو و دو عدد صندلی، ظروف سفالین، تزیینات مبل از چوب و اشیای عاجی یافت شده است. در بدنه دیوار شمالی اتاق بزرگ ۵ طاقچه و در بدنه غربی دیوار ۳ طاقچه به شکل چهارگوش جهت قرار دادن هدایا ساخته شده که از یافته‌های آن می‌توان بویژه به ظروف مفرغی اشاره کرد.

از اتاق دومی با یک ورودی به عرض ۷۵ سانتیمتر وارد کوچکترین اتاق می‌شویم این اتاق در اندازه‌های ۲/۵×۲ متر ساخته شده و در سه ضلع آن در سطوح جانبی دیوارها، سه طاقچه جلب توجه می‌کند. از یافته‌های داخل این اتاق می‌توان به یک میز از چوب، اشیایی از عاج و فلز و ظروف سفالین اشاره کرد. روی همه اتاقهای تدفین با سنگهای یک پارچه پوشانیده شده و برای پوشانیدن ورودی از سنگ یک پارچه بزرگ استفاده شده است.

بعد از پوشانیدن اتاقها که از قطعه سنگهایی به طول بیش از ۳ متر استفاده کرده‌اند سپس روی چنین پوششی را به یک لایه سنگی



تصویر ۱۲. معبدی در هوای باز

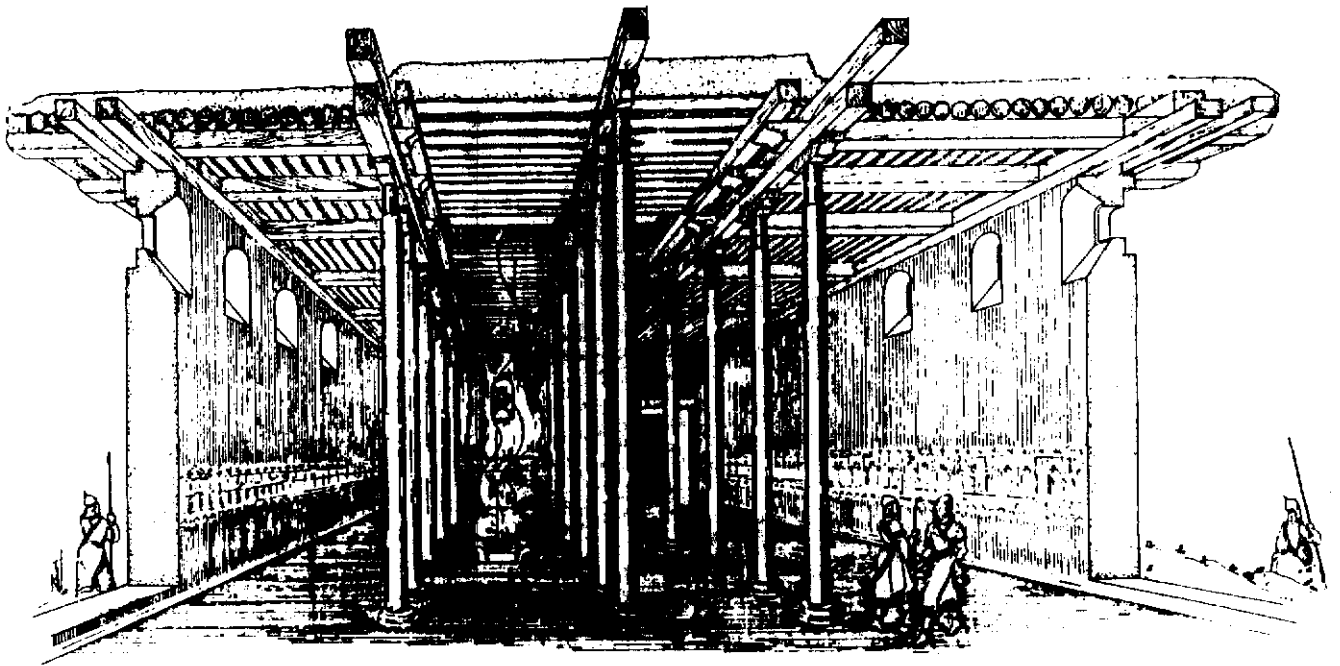
سانتیمتر می‌باشد. در وسط این پایه‌ها، گودی چهارگوش به عمق ۲۰ سانتیمتر و به ابعاد ۴۰×۲۰ سانتیمتر برای جاسازی چهار استل ایجاد گردیده است. استلها همه یک اندازه بوده به ارتفاع $۲/۳۰$ متر به پهنای ۵۰ سانتیمتر و به ضخامت ۳۲ سانتیمتر و با سر هلالی شکل، ساخته شده‌اند. هر چهار طرف استلها با دقت هر چه بیشتر تراش خورده. گویی همه آنها از یک قالب در آمده‌اند. درست در مقابل استل دومی یک سنگ قربانی چهارگوش مربع شکل قرار داده شده که وسط آن به اندازه ۱۴ سانتیمتر به شکل کاسه کنده کاری شد است. در داخل این مذبح سوراخی که مایع بتواند از آن خارج شود وجود ندارد.

با توجه به اینکه مردم جهت شرکت در مراسم، مقابل استلها جمع می‌شدند بنابراین آنها را نزدیک دیوار برپا داشته و بدین ترتیب محوطه بزرگتری را در رابطه با برگزاری مراسم تدفین که در زمانهای معین صورت می‌گرفت آماده کرده‌اند (تصویر ۱۲).

خاکسترشان را در خمره‌ها ریخته و بعد از پوشاندن دهنه آنها، به وسیله سنگ و یا ظرفی، به خاک می‌سپردند. البته در کاوشهای آلتین تپه، تدفین در قبور معمولی بدست نیامده ولی چند خمره سفالین که داخل آنها پر از خاکستر مردگان بود، کشف گردیده است.

۴- معبدی در هوای باز

در شمال شرقی آرامگاههای آلتین تپه و درست چسبیده به گورخانه شماره یک، معبدی در هوای باز و در مکان مقدسی در رابطه با مراسم تدفین کشف گردیده است. برای ساختن این معبد ابتدا یک صفه را آماده کرده و سپس چهار طرف آن را تا ارتفاع $۱/۵$ متری با دیوارهای سنگی و روی آنها را با دیوارهای خشتی بالا آورده‌اند (تصویر ۱۱) ابعاد معبد از داخل $۷/۷۰ \times ۷/۷۵$ متر بوده و روی آن باز می‌باشد. در فاصله یک متری دیوار آرامگاه چهار عدد پایه سنگی چهارگوش حجاری شده، کارگذارده شده که اندازه هر یک ۱۰۰×۷۰



تصویر ۱۳ آپادانا آلتین

بر اساس کاوشهای باستان شناسی که تا کنون در قلمرو اورارتوها انجام یافته است غیر از آلتین تپه به معبدی مشابه معبدی در هوای باز برخورد نشده تنها در روی یک مهر، که از توپراق قلعه بدست آمده نظیر استلهای معبد، سه استل مشاهده می شود که انسانی در حال دعا در روبروی یک درخت مقدس به تصویر کشیده شده است. به هر حال همانگونه که اورارتوها در بنا معابد برجی شکل ابتکار تازه‌ای را از خود نشان داده‌اند این بار دست به ایجاد معبدی در هوای باز زده‌اند که تا کنون نظیرش در جهان شناخته نشده است.

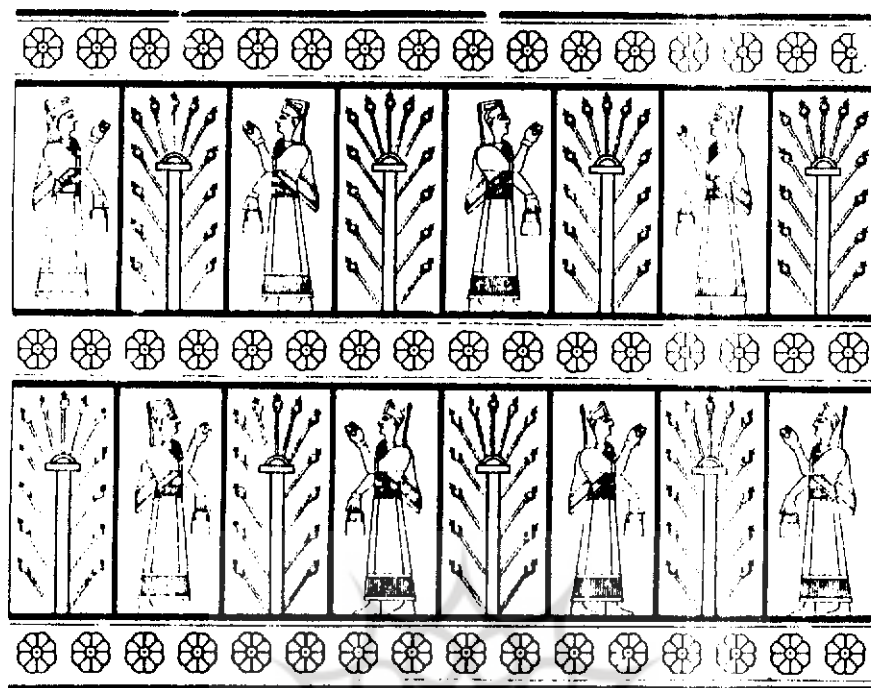
۴۴×۲۵/۳۰ متر می باشد. بلندترین نقطه تپه را که کاخ - معبد نیز در آن ساخته شده برای ساختمان آپادانا انتخاب کرده و حتی بخشی از جنوب شرقی گالری معبد نیز در رابطه با ساختمان این تالار آسیب دیده است. روی پی سنگی، آپادانا دیوارهایی به ضخامت ۳ متر ساخته شده و اتاقها و ورودی آن در طرف شرق است. سقف تالار را سه ردیف ستون شش تایی با پاستونهای سنگی گرد به قطر ۱/۵ متر حمل می کرد.

روشنایی این تالار بار عام، از طریق پنجره‌هایی که در قسمت بالای دیوارها و نزدیک به سقف ساخته شده بود تأمین می گردید. سطوح جانبی دیوارهای داخل تالار با نقاشیهای دیواری تزیین شده بود. در کف بنا که گل اندود کرده بودند غیر از چند قطعه شیبی طلائی چیز دیگری به دست نیامده است. در ادامه کاوشها در بخش شرقی آپادانا سه اتاق بدست آمده است که در اتاق سومی، ۲ حیاط مقابل آپادانا باز می شود و داخل این اتاق همانند دیوارهای آپادانا با نقاشیهای دیواری مشابه، تزیین گردیده و از داخل اتاقی که در طرف شرق ساخته شده مقداری ظروف سفالین تک رنگ اورارتویی یافت

۵ - آپادانا

یکی دیگر از نوآوریهای معماری اورارتوها در آلتین تپه آپادانا و یا تالار ستون دار می باشد.

این تالار ستون دار در بین آپادانهای شرق باستان قدیمی ترین آنها بوده و در طبقه دوم این محل کشف گردیده است (تصویر ۱۳). کاخ - معبد که از یافته‌های مهم طبقه ۱ به شمار می رود، بخشی از این تالار بر روی بناهای فوق احداث گردیده و ابعاد آن از داخل

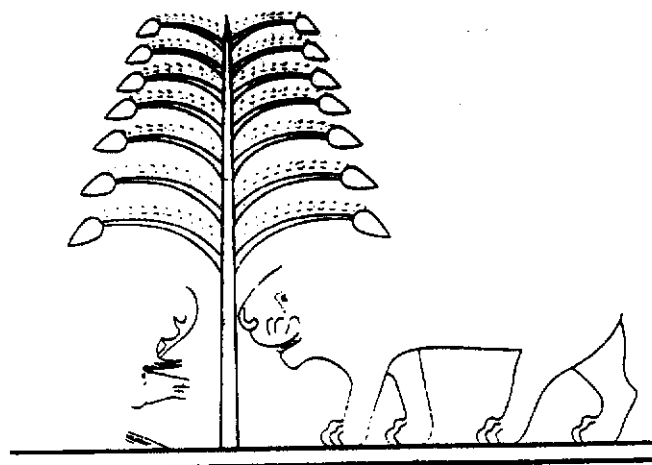


تصویر ۱۴. نقاشی دیواری

اینگونه تالارها در معماری ایران بویژه از حسنلو، گودین تپه و نوشیجان تپه نیز بدست آمده و با نمونه‌های اورارتو همزمان می‌باشد ولی نمی‌توان عظمت و شکوه آپاداناهای اورارتو را با تالارهای ایران مقایسه کرده و تأثیر از آنها را در معماری اورارتو مطرح نمود و برعکس معماران مانایی و مادی به احتمال برای ساختن تالارهای ستوندار، از اورارتوها تأثیر پذیرفته‌اند زیرا برخلاف آسیای صغیر، در ایران پیش از مانا و مادها به این نوع معماری برخورد نشده است. افزون بر این تالار با رعام آلتین از هر لحاظ با گاخهای آشوری و خانه‌هایی به شکل بیت - هیلانی (Bit-hilani) سوریه شمالی نیز اختلاف داشته و تنها قابل مقایسه با آپاداناهای عصر هخامنشی بویژه در تخت جمشید می‌باشد بنابراین تالار ستوندار آلتین تپه را می‌توان سفیران نمونه آغازین آپادانه‌های عصر هخامنشی معرفی کرد. بهر حال ریشه آپادانه‌های پاسارگاد و تخت جمشید را از لحاظ شیوه معماری غیر از معماری اورارتو در

شده است.

آپادانای آلتین تپه که قدمت کهن‌ترین آن در معماری اورارتو به قرن نهم پیش از میلاد می‌رسد بهترین الگو جهت برپا ساختن آپادانای عصر هخامنشی در ایران می‌باشد. معماران اورارتو بدون شک برای ساختن آپادانه‌ها، از خانه‌های ستون‌دار محلی الهام گرفته‌اند که امروزه نیز می‌توان این نوع خانه‌ها را در آسیای صغیر مشاهده کرد. از طرفی تالار ستونداری که از نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد در پایتخت هی تیتها، بوغاز کوی باقیمانده است، از یک سو موجودیت و تأثیر این گونه بنا را در زمان امپراتوری هی تیتها روشن کرده از سوی دیگر تأثیر این شیوه معماری را بر هنر معماری اورارتو به اثبات می‌رساند. بهر حال تالارهای ستون‌دار اورارتو ریشه در معماری محلی، داشته و همانند معبد برجی شکل و معبدی را هوای باز بدون الهام و تأثیرپذیری از هنر معماری بیگانگان ساخته شده است. در ضمن هر چند که مشابه



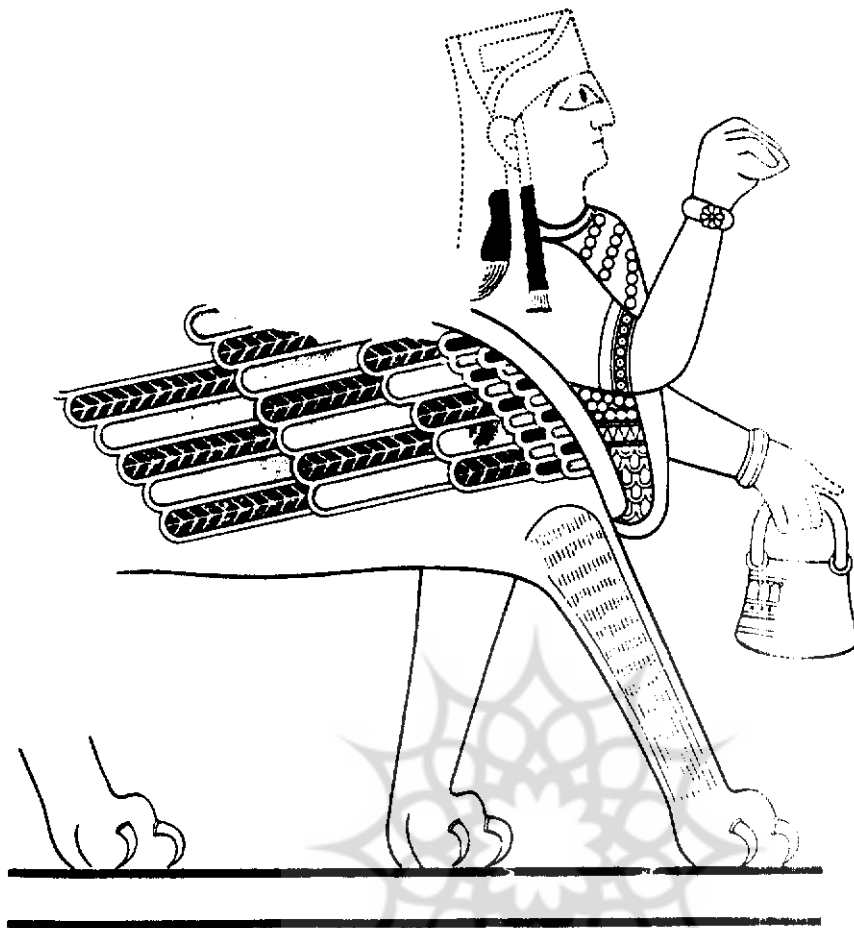
نصوب ۱۵. نقاشی دیواری

جاههای دیگر نباید جستجو کرد.

از مهمترین ویژگیهای تالار بارعام آلتین تپه، نقاشیهای دیواری آن می باشد که سرتاسر روی دیوارهای خشتی را که گچ کاری شده اند پر کرده است. اکثراً تا ارتفاع ۲/۵ متری روی زمینه های آبی و قهوه ای روشن و با استفاده از رنگهای قرمز، سفید و سیاه تصاویر زیادی، از قبیل انار، روزت، جانوران تخیلی، انسانها در دو سوی درخت زندگی (تصویر ۱۴)، گاوهای زانورده اسفنکس ها (تصویر ۱۶) و پالمت که اکثراً از هنر اقتباس یافته است به نمایش گذاشته اند. افزون بر اینها در بالاترین حاشیه، صحنه شیرینی که در پشت درخت، در کمین گوزن مخفی شده (تصویر ۱۵) و یا منظره ای که گوزنی به وسیله شیرینی شکار شده، جلب توجه می کند که این نوع صحنه ها بدور از تأثیر هنر آشور و با شیوه کاملاً اورارتوئی نقاشی شده اند. بهر حال در این صحنه ها هنرمند با وجود اینکه نقوش زیادی را از آشور اقتباس کرده ولی در این میان با استفاده از نقوش محلی، هنر خود را نیز از یاد نبرده و بدین ترتیب از گردهمایی دو سبک متضاد، به صورت نقشهای جداگانه، به دیوارهای آپادانا جلوه خاصی بخشیده است. از طرفی بدون شک هنرمندان نقاش اورارتو، آشنایی کامل با هنر آشوری داشته و با شناخت هنر همسایه و با وجود دشمنی با او، کوشیده اند تا برای تزیین دیوارهای تالار بارعام با

استفاده از نقوش زنده و پرتحرک آشوری، آن را به حد کمال برسانند. با وجود این که اورارتوها، رویهمرفته در حدود ۲۵۹۳ سال پیش از صحنه سیاسی تاریخ پاک شده و در شمار اقوام مرده قرار گرفته اند ولی در بخش شرقی آسیای صغیر در خلال قرنهای سنتهای فرهنگی خود را حفظ کرده و تأثیر آن را بر معماری منطقه و اشیای فلزی به جای گذاشته اند.

همانگونه که متخصصین باستان شناسی دوره اورارتو نیز اشاره کرده اند بخش شرقی آسیای صغیر، در دوران باستان هیچ وقت از لحاظ قدرت به صورت یکی از مراکز تشکیلات سیاسی خاور نزدیک مطرح نبوده زیرا شرایط اقلیمی و موقعیت جغرافیایی، این منطقه از آسیای صغیر برای ایجاد چنین تشکیلات سیاسی، مرکزی مناسب نبوده است. از طرفی دست یافتن به این منطقه کوهستانی و سردسیر، بسیار سخت و دشوار است و از طرف دیگر کشاورزی نیز بدون آبیاری و تلاش انسان واقعاً میسر نمی باشد بنابراین هیچ چیز در این منطقه مرتفع که زمستانهای بسیار سرد و طاقت فرسا دارد بدون زحمت فراوان و کوشش زیاد فراهم نمی شود بدین لحاظ همان طوری که در بالا نیز اشاره شد، شرق آسیای صغیر در خلال اعصار گذشته نتوانسته است بصورت مرکز فعالیت، قدرتهای بزرگ باستان در آید. ولی در این میان اورارتوها، در نتیجه مبارزه با قوای



تصویر ۱۶. نقاشی دیواری به شکل اسفنجس

Wrtutu tapinagi vekitabeleri (Aatolia V, 1960)

- 6- Kemal Balkan, patnos' da Kesfedilen Wrtutu tapinagi ve Wrtutu Sarayl (Atatürk konferansları 1963, Ankara 1964)
- 7- Atif Erzen, Cavustepe kazisi (Belleten III, S. 570)
- 8- Kurt Bittel, Ausgrabungen in Bogazköy - yaziliya (VI. Internationler für Archaeologie, Berlin 1939)
- 9- B. B. Piotrovsky, Wrtutu, the kingdom of Van and its art, London 1967.
- 10- Tahsin Özgüc, Altintepe, mimarlik anitlari ve duvar resimleri - Architectural monuments and Wall Paintings, Ankara 1966.
- 11- Tahsin Özgüc, Ön tarihte Anadolu'da Olü gömme adelteri - Die Bestattungsbraeuche im vorgeschichtlichen, Anatolien, Ankara 1948.
- 12- Tahsin Özgüc, Altintepe II, Mezarlar, Depo Binasi ve Fildisi Eserler (Tombs, Storehouse and Ivories). Ankara 1969.

طبیعت و تحمل سختیها و اتحاد قبیلها، ووفق به زندگی در این منطقه شده و شهرهای زیادی را با ساختن نظامی تسخیرناپذیر، در روی ارتفاعات بنا کرده اند که امروزه هر یک را به تعجب وامیدارد.

فهرست منابع

- 1- Tahsin Özgüc, Altintepe kazilari - Excavations at Altintepe (Belleten 98, 1961).
- 2- Tahsin Özgüc, Altintepe de wrtutu Mimarlik Eserleri, the Urartian Architecture on the Summit of Altintepe (Anatolia VII, 1963).
- 3- K. Ohanesian, Arin - berid i. Architektura Ere - huni, Erevan 1961.
- 4- K. Ohanesian, Sovjetskaya Archaeologiya 1960.
- 5- Kemal Balkan, patnos yakiminda Anzavurtepe'd bulunan